شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۲۴ خرداد ۱۳۹۹
۲۱ شوال ۱۴۴۱
شماره ۳۱۲۶

اخبار کوتاه

کرونا جان کودک ۲ ساله تربتی را گرفت

رئیس دانشکده علوم پزشکی تربت‌جام از جان باختن کودکی دو ساله بر اثر ابتلا به کرونا در این شهرستان خبر داد.

براساس اظهارات محمد افکار، تاکنون ۱۰۴۹ نفر در تربت‌جام با مراجعه به بیمارستان تست کرونا داده‌اند که ۳۱۵ بیمار کرونایی شناسایی و بستری شده‌اند.

محمد افکار افزود: از این تعداد ۲۴۷ بیمار بهبود یافته‌اند و هم اکنون ۳۳ بیمار در بخش عفونی بستری هستند که حال ۶ بیمار وخیم است و متأسفانه ۲۷ نفر جان باخته‌اند. یکی از جان‌باختگان کودکی دوساله بوده است.

به گفته افکار میزان شیوع و بستری بیماران مبتلا به ویروس کرونا در چند روز اخیر در منطقه و شهرهای اطراف افزایش یافته است و بیماران مراجعه‌کننده با علائم جدید سرگیجه، دل‌درد، استفراغ و اسهال بستری می‌شوند.

آشپزی خدمه علت سوختن ۷ لنج

پس از آنکه پنجشنبه شب ۷ فروند لنج در بندر لنگه از توابع هرمزگان دچار حریق شدند، بررسی‌ها نشان داد که آشپزی خدمه یک لنج عامل این حادثه بوده است.

فرماندار بندرلنگه با اشاره به آتش‌سوزی در ۷ لنج صیادی در این بندرگاه، علت آن را اتصالی برق بیان کرد و افزود: خدمه لنج یکی از این شناورها در حال آشپزی بوده که موجب آتش گرفتن آن شناور و ۶ فروند دیگر از شناورها شده است.

علی نیکویی ادامه داد: در این بندرگاه ۱۶۰ فروند لنج صیادی و ۴۰۰ فروند قایق‌موتوری پهلو گرفته بود که با تلاش آتش‌نشانی بندرلنگه، فرودگاه و منطقه پنجم نیروی دریایی سپاه از آتش گرفتن آن‌ها جلوگیری شد.

وی یادآور شد: طبق ادعای شناورداران ۵ تا ۷ فروند قایق هم درجریان این آتش‌سوزی سوخت و یا زیر آب رفت که صحت و سقم موضوع در دست بررسی است.

مرگ کارگر و نجات مقنی از دل چاه

آتش‌نشانی مشهد طی ۲ روز پایانی هفته ۲ مأموریت مهم را در مشهد و حومه به اجرا گذاشت که در یک حادثه کارگری جوانی به وضع دل‌خراشی جان سپرد اما مقنی پنجاه‌وپنج ساله با وجود بی‌حال شدن در عمق چاه، از مرگ نجات یافت.

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد درباره جزئیات مرگ پسر جوان در مشهد اعلام کرد که روز پنجشنبه با اعلام حادثه برای فردی در یک فروشگاه لوازم‌یدکی موتورسیکلت، آتش‌نشانان به محل اعزام شدند که مشخص شد جوانی سی ساله، به دلیل نامعلومی حین استفاده از بالابر، سرش بین بالابر و دیوار طبقه زیرزمین و همکف این مغازه گرفتار شده و به طرز دل‌خراشی جان باخته است. آتش‌نشانان با قطع برق و استفاده از تجهیزات ویژه پیکر بی‌جان این فرد را رهاسازی کردند.

به گفته امیر عزیزی، حادثه دیگر عصر دیروز در روستای ابلغ در حوالی مشهد رخ داد. مردی پنجاه‌وپنج ساله هنگام کار درون یک چاه عمیق گرفتار شده بود. نجاتگران ایستگاه‌های ۸ و ۶ با حضور در محل متوجه شدند این مقنی در عمق شصت‌متری این چاه گرفتار شده است. آتش نشانان بدون فوت وقت، ابتدا برای اکسیژن‌رسانی به این فرد برای فرستادن کپسول اکسیژن درون چاه اقدام کردند. بررسی‌های بعدی نشان داد که این فرد به علت کمبود اکسیژن از حال رفته که خوشبختانه با رساندن اکسیژن به این فرد، او از مرگ حتمی نجات یافت. سپس امدادگران این فرد را به سطح زمین منتقل کردند.

راه و بیراه

عهدی که فراموش شد

متین نیشابوری

دوستش دارم و یک روز بدون او نمی‌توانم زندگی کنم. ما خاطرخواه هم بودیم و با عشق و علاقه ازدواج کردیم. چندسال اول زندگی‌مان شیرین بود و خوب گذشت. او به من توجه می‌کرد و خواسته‌هایم برایش مهم بود. با تولد اولین فرزندم خودش را حسابی درگیر بچه‌داری کرد. ما صاحب فرزند دیگری هم شدیم و او دیگر فراموش کرد که من هم هستم و به عنوان یک شوهر انتظاراتی دارم.

دیگر حوصله‌ام را نداشت و هر موقع با نیش و کنایه می‌گفتم تو هنوز جوان هستی و باید به سر وضع خودت برسی حرفم را به مسخره می‌گرفت و می‌گفت این حرف‌ها دیگر از ما گذشته است. هرروز که از سر کار برمی‌گشتم با خانه به‌هم‌ریخته روبه‌رو می‌شدم. هیچ وسیله‌ای سرجایش نبود و از دست شلخته بازی‌هایش اعصابم به هم می‌ریخت. اما وقتی می‌خواستیم جایی برویم یا قرار بود برایمان مهمان بیاید آبروداری می‌کرد و اوضاع خوب به نظر می‌رسید.

حساسیت من و خونسردی او سبب شد گله‌های زیادی در دلم بماند و با این وضعیت در فضای مجازی با زنی که از آشنایانمان است ارتباط گرفتم. ابتدا رابطه ما در حد یک سلام و احوالپرسی در فضای مجازی بود. او از شکست در زندگی‌اش برایم می‌گفت و من هم از دلتنگی‌هایی که در دلم داشتم. مدتی گذشت رابطه ما وارد مرحله دوم خود شد و من و این زن به همدیگر علاقه‌مند شدیم. عذاب وجدان گرفته و پشیمان بودم. هر طور بود می‌خواستم به این رابطه پایان بدهم اما زن جوان وقتی متوجه شد سروصدا به راه انداخت و گفت که وابسته‌ام شده و از اینکه من احساساتش را به بازی گرفته‌ام به شدت عصبانی است. او موضوع رابطه‌مان را به همسرم گفت و آتشی به زندگی‌ام انداخت.

با همسرم اختلاف پیدا کردم و به خاطر حفظ زندگی‌ام مجبور شدم تا کارم را از شهرستان به مشهد انتقال بدهم. در این نقل مکان و جابه‌جایی از نظر مالی خسارت دیدم. همسرم هنوز به من اعتماد ندارد و مدام بازخواستم می‌کند. هر موقع دیر به خانه می‌روم دعوایمان می‌شود و برای مدتی با من قهر می‌کند. او می‌گوید که به او خیانت کرده‌ام. نمی‌دانم اگر زندگی‌ام بر همین روال بگذرد آیا دوباره دلبسته شخص دیگری خواهم شد؟

سید جلال ملکی، سخن‌گوی سازمان آتش‌نشانی تهران: **عصرپنجشنبه با اعلام حریق درساختمان صداوسیما، آتش‌نشانان درمحل حاضر شدند که مشخص‌شد حریق جزئی دریک اتاقک چندمتری درطبقه چهارم یکی از ساختمان‌های اداری رخ داده است. این آتش‌سوزی سرانجام مهار شد.**

برادرکُشی در مزرعه پدری

اختلاف خانوادگی در توس ۵۵ با شلیک وینچستر رنگ جنایت گرفت

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

جسد مرد جوان در حاشیه زمین کشاورزی افتاده بود. انگار که داخل وان پر از خون افتاده باشد، سرتاپایش خونین بود. اطرافش هم خون زیادی روی علف‌های هرز و خاک ریخته بود. بیل، کلنگ، داس و یک خورجین موتور هم کنارش بود که نشان می‌داد جوانک مشغول کار بوده است. در نزدیکی جسد اما رد لاستیک یک موتور دیده می‌شد و از شواهد امر پیدا بود که قاتل یا قاتلان از هراس لورفتن، بدون فوت وقت از صحنه جنایت گریخته‌اند. ساعت نزدیک ۲۲:۳۰ چهارشنبه بود و آژیر خودروهای پلیس و رفت و آمدشان خبر از یک حادثه در توس ۵۵ می‌دادند.

خبر کشف جسد خون‌آلود در زمین زراعی خیلی زود بین اهالی پیچید و مردم را به محل حادثه کشاند. متوفی را اما همه می‌شناختند و دیده بودند که عصر چهارشنبه‌ای به زمین زراعی پدرش رفته است. چند نفر از همسایه‌ها هم به پلیس گفته بودند که قبل از مقتول، برادر بزرگ‌ترش را دیده‌اند که در زمین پدرش مشغول زدن علف‌های هرز بوده است.

آنچه از این تصویر به‌هم‌ریخته دریافت می‌شد جنایتی بود که در آن یک مرد سی‌وسه ساله به خاک و خون کشیده شده بود؛ موضوعی که از سوی افسر کلانتری کاظم‌آباد مشهد به قاضی احمدی‌نژاد، بازپرس قتل دادسرا اعلام شد. بررسی اولیه جسد حاکی از آن بود که مرد جوان هدف شلیک اسلحه قرار گرفته و زخم‌های عمیقی روی شکم و سینه‌اش و شنیده شدن صدای شلیک از سوی چند نفر از اهالی منطقه این فرضیه را تأیید می‌کرد.

اختلاف سر اعتیاد برادر بزرگ‌تر

انتقال جسد به پزشکی قانونی و ضبط لوازم موجود در اطراف مقتول به غائله تماشاچیان پایان داد و پرده اکران این صحنه جنایت را پایین کشید. در همان دقایق اولیه تحقیقات قضایی از خانواده مقتول آغاز شد و پدر جوانک هنوز باور اینکه پسرش را کشته‌اند، برایش سخت بود. می‌گفت عصر چهارشنبه پسر بزرگش برای زدن علف‌های هرز به زمین زراعی رفته و خبری از پسر کوچکش که به قتل رسیده نداشته است. او برای پلیس از اختلاف مقتول و برادرش بر سر اعتیاد پسر بزرگ‌ترش (برادر مقتول) گفت که همین سرنخ و غیب شدن مرد چهل‌وسه ساله (برادر بزرگ‌تر مقتول) ظن پلیس را به او جلب کرد. ظنی که پای مأموران را در دقایق بامدادی روز پنجشنبه به باغی در منطقه خین‌عرب کشاند. چند نفری در باغ بودند که با حضور پلیس از محل گریختند. همین فرار کافی بود تا مأموران دست به اسلحه شوند و چند تیر هوایی شلیک کنند. دو مرد جوان که تبعه خارجی و از کارگران باغ بودند، سرانجام خود را تسلیم قانون کردند. در ادامه هم مأموران آگاهی گوشی تلفن همراه مقتول را در خانه‌باغ این ملک زراعی کشف کردند.

حالا واقعیت مثل روز روشن بود و درکنار هم قرار دادن قطعات پازلِ سرنخ‌های به دست آمده نشان از تکرارِ یک پرونده برادرکشی دیگر در مشهد داشت. ماجرایی که ۲۴ ساعت بعد از قتل جمال به دست برادرش جلال در بولوار اقبال لاهوری به خاطر یک سگ اتفاق افتاده بود و حالا در بولوار توس به شکلی دیگری تکرار شده بود که در آن برادری چهل‌وسه ساله به علتی نامشخص با شلیک وینچستر برادر سی‌وسه ساله خود را از پا درآورده بود.

تسلیم در برابر قانون

تحقیقات برای به دام انداختن متهم این پرونده ادامه داشت تا اینکه عصر پنجشنبه او خودش را تسلیم قانون کرد. گرچه مدارک و شواهد همگی علیه این مرد جوان بود اما او نظری خلاف فرضیه نقش داشتنش در این قتل داشت و ضمن رد آن مدعی شد که برادرش را چند مرد ناشناس موتورسوار کشته‌اند. او عصر روز جنایت را برای پلیس این‌گونه شرح داد که در زمین پدرش مشغول کار بوده و فردی موتورسوار برادرش را به محل رسانده است. دیدار دو برادر هنوز به چند دقیقه نکشیده که صدای چند موتورسیکلت شنیده می‌شود و مقتول از برادرش می‌خواهد جانش را بردارد و فرار کند.

متهم ادعا کرد: «نمی‌دانم چرا، اما او وقتی موتورسواران را دید به من گفت که فرار کنم. هنوز مسافتی نرفته بودم که صدای شلیک آمد و فهمیدم برادرم را کشته‌اند.» با این ضد و نقیض گویی‌ها اما متهم در رویارویی با قاضی پرونده تاکید کرده است که واقعیت این جنایت را تنها به پدرش خواهد گفت و پیگیری‌های این پرونده تا برملا شدن همه ابعادآن ادامه دارد.

عکس تزئینی است

اخبارجهان

جدا کردن دوقلوهای به‌هم‌چسبیده

ترکیه| ایرنا| چند سال پیش دو کودک دوقلوی ترکیه‌ای در حالی که از ناحیه جمجمه به یکدیگر چسبیده بودند در این کشور متولد شدند. والدین این کودکان آذرماه سال گذشته بعد از مشورت با پزشکان در انگلستان، فرزندانشان را برای عمل جراحی به این کشور بردند. پزشکان لندنی نیز از سال گذشته اقدامات اولیه به منظور آماده شدن کودکان برای عمل جراحی جداسازی را آغاز کردند و بعد از حدود چند ماه، عمل جراحی را انجام دادند. خوشبختانه پزشکان در پس یک عمل سخت چند ساعته موفق به جدایی این کودکان از همدیگر شدند.

زندان برای زنی که پلیس را کتک زد

قزاقستان| باشگاه خبرنگاران| دادگاه شهر آلماتی قزاقستان در رسیدگی به پرونده زنی جوان که اقدام به کتک زدن پلیس کرده بود، او را به ۳ سال حبس محکوم کرد. در این اتفاق که فیلم آن در فضای مجازی نیز منتشر شده، یک زن خشمگین با حمله به یک پلیس مرد او را با ضربات مشت کتک می‌زند تا جایی که کلاه از سر افسر پلیس می‌افتد. گفته می‌شود این زن جوان هنگام شرکت در تظاهرات مخالفان دولت که از سوی دولت این تظاهرات غیرقانونی اعلام شده بود، با پلیس درگیر شده است.

انفجار در مراسم نماز جمعه در کابل

افغانستان| فارس| روز گذشته در پی انفجار در مسجد جامع «شیرشاه سوری» واقع در کارته چهارشهر کابل که مردم برای نماز جمعه در آنجا حاضر بودند ۴ نفر کشته شدند. امام جماعت مسجد نیز جزو کشته‌شدگان بود. به گفته سخن‌گوی وزارت کشور افغانستان، مواد انفجاری در این مسجد جاسازی شده بود. تعدادی از نمازگزاران نیز زخمی شدند که احتمال افزایش قربانیان وجود دارد. ۱۰ روز پیش نیز انفجاری دیگر در محوطه مسجد وزیر محمد اکبرخان کابل رخ داده بود که مولوی محمدایاز نیازی، امام جماعت این مسجد کشته و ۳ نمازگزار دیگر زخمی شدند.

جدول شماره: ۲۹۵۰

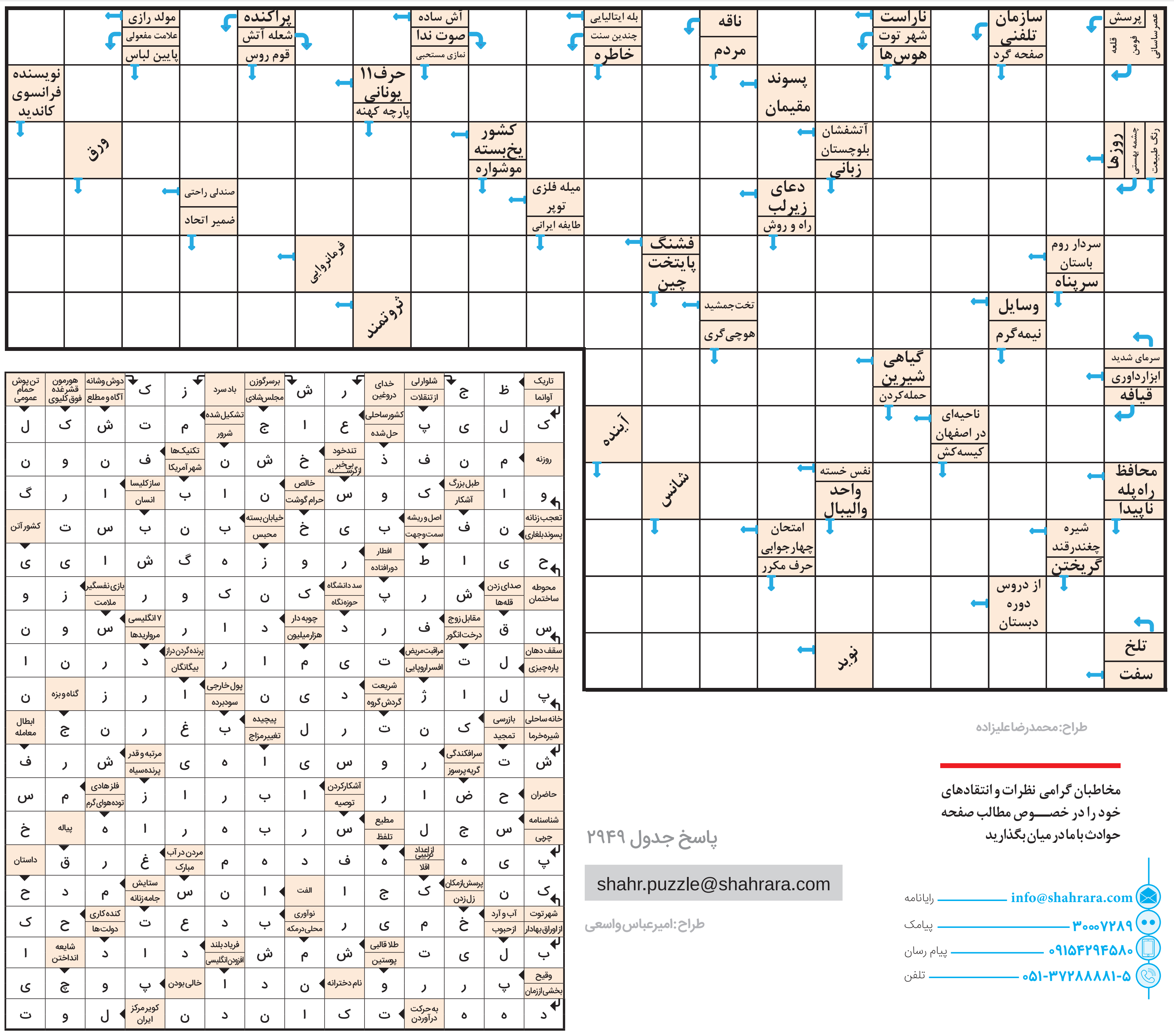

طراح: محمدرضا علیزاده

پاسخ جدول ۲۹۴۹

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: امیرعباس واسعی

مخاطبان گرامی نظرات و انتقادهای خود را در خصوص مطالب صفحه حوادث با ما در میان بگذارید

رایانامه ———— info@shahrara.com
پیامک ———— ۳۰۰۰۷۲۸۹
پیام رسان ———— ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
تلفن ———— ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵